

دشمن شناسی داشت. او می دانست که در پس اقدامات آشکار رژیم پهلوی، تلاش های برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی برقرار است. آیت الله العظمی میلانی که از همان ابتدا در مقابل تجاوزکاری صهیونیست ها و حمایت غرب از این حکومت جعلی ایستاده بود، در نامه تفصیلی خود به امام خمینی (ره) که آن را در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۲ به رشته تحریر درآورده بود، بی واهمه از تجسس مخبران رژیم پهلوی نوشت: «عجیب است اگر مسلمانی در چنین شرایط به خود اجازه سکوت داده و در صدد دفاع از کبان اسلام بر نیاید ... این ننگ را کجا ببریم که مملکت اسلامی ما را دارند پایگاه اسرائیل و صهیونیست می کنند و نیز افرادی را که با آن ها همدستند، در رأس کارها قرار می دهند». اشاره آیت الله العظمی میلانی به نفوذ همه جانبه فرقه ضاله بهائیت بود که تقریباً در تمام ارکان رژیم پهلوی وجود داشت. چندی قبل از آغاز قیام، دولت با استفاده از بودجه عمومی، جمعی از اعضای این فرقه ضاله را برای شرکت در اجلاسی درون فرقه ای راهی لندن کرده بود؛ موضوعی که نگرانی علما و خشم ملت را برانگیخت. آیت الله العظمی میلانی، در متن نامه خود به امام خمینی (ره)، ورود جدی و عاظم را در ماه محرم و صفر با عرصه مبارزه جدی ضروری دانست و نوشت: «باید به وسیله مبلغین دانشمند و وعاظ محترم مذهبی، در ایام عاشورا و قیام حسینی، اذهان مردم مسلمان را روشن کرد ... باید به مردم بگویند که چگونه راه را برای عمال و جاسوسان اسرائیل در ایران باز کرده اند و با پول ملت بیش از هزار نفر آن ها را برای مقاصد ناپاک و خیانت آمیز، به خارج فرستاده اند». لحن نامه آیت الله العظمی میلانی به گونه ای است که گویی به دنبال یک راهبرد مبارزاتی مشترک میان مشهد و قم می گردد؛ راهبردی که چند روز بعد، به واسطه یک شاگرد مشترک با امام خمینی (ره) یعنی آیت الله سید علی حسینی خامنه ای به مشهد منتقل شد و در دستور کار قرار گرفت.

۱۵ خرداد و ایفای نقش تاریخی

آیت الله العظمی میلانی با وقع قیام ۱۵ خرداد، بلافاصله دست به اقدام عملی زد. این اقدام در سه بخش قابل مطالعه و بررسی است:

بخش نخست: در گام اول، آیت الله العظمی میلانی حمایت همه جانبه و کامل خود را از نهضت اعلام کرد. تلگراف مشهور به امام خمینی (ره) و علمای دربند تهران، یکی از اسناد بسیار مهم نهضت اسلامی است. (متن کامل این سند در انتهای نوشتار پیش رو آمده است)

بخش دوم: آیت الله العظمی میلانی کوشید تا خود را به تهران برساند و هم سو با نهضت دست به اقدام بزند، اما هواپیمای حامل وی به تهران را از شاهروید برگردانند و اجازه ندادند پای آیت الله العظمی میلانی به تهران برسد. اما او نشان داد که در همراهی با نهضت، از هیچ اقدامی، حتی نثار جان و آبرو فروگذار نیست. بازگرداندن هواپیما از مسیر تهران به مشهد، نشان می دهد که ساواک چه اندازه از نفوذ آیت الله العظمی میلانی بیمناک بود و می ترسید با ورود او به تهران، کنترل اوضاع دوباره از دست خارج شود.

بخش سوم: آیت الله العظمی میلانی بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، مانع از تلاش های عوامل رژیم برای

